

Research Article
**Imprisonment and De-imprisonment in Islamic
Jurisprudence and Iranian Law**

Meisam Imani¹

Naghmeh Farhoud²

Seyed Yazdollah Taheri Nasab³

Received: 02/09/2022

Accepted: 04/09/2022

Abstract

Freedom is one of the most important blessings and one of the most obvious natural and basic human rights, which has been considered among the most controversial issues throughout the centuries and ages. One of the types of freedom is the freedom of the body, according to which a person can do whatever he wants. This type of freedom has been supported for a long time, and even today, international declarations related to human rights and the basic and ordinary laws of different countries support it in various ways. On the other hand, establishing public security and protecting people's privacy and rights in dealing with threats and possible aggression by abnormal persons and violating the rights of others has always been one of the main concerns of the guardians of the judicial justice system. In this regard, the application of prison

۲۳۹
مباحث حقوق کی

حبس و حبس زانی در فقه اسلامی و حقوق ایران

1. PhD student, Department of Criminal Law and Criminology, Khuzestan Science and Research Campus, Islamic Azad University, Ahvaz (corresponding author). meisam.imani0916@gmail.com.
2. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Andimeshk Branch, Islamic Azad University, Andimeshk. naghmeh.farhood@gmail.com.
3. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz. imani@mailfa.com.

* Imani, M., Farhoud, N., & Taheri Nasab, S. Y. (1401 AP). Imprisonment and de-imprisonment in Islamic jurisprudence and Iranian law. *Biannual Journal of Jurisprudential Principles of Islamic Law*, 15(30), pp. 239-275. Doi: 10.30495/jjl.2022.69283.1581.

sentences as a reaction to denying freedom against criminals and lawbreakers is a common method in most countries of the world. The idea that the application of this punishment will reform and socialize the criminal and prevent the repetition of the crime, and on the other hand, it brings intimidation and general deterrence and prevents potential criminals from repeating the crimes, is one of the most important justifications for the prison sentence. Although professors and legal scholars have dealt with the issue of the pathology of prison punishment in various articles, but since this issue is important and it should be considered, different aspects of the issue have not been examined. Therefore, it was felt necessary to deal more with this issue. The main objective of this study, while using the library research method, is to identify the judicial and executive gaps of this punishment and provide suggestions to compensate for the shortcomings and achieve the relevant goals.

Keywords

Imprisonment, De-imprisonment, Prison, Freedom.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



مقاله پژوهشی

حبس و حبس‌زدایی در فقه اسلامی و حقوق ایران

میثم ایمانی^۱ نغمه فرهود^۲ سید یزدان‌الله طاهری نسب^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۳

چکیده

آزادی یکی از مهم‌ترین موهبت‌ها و یکی از بارزترین حقوق طبیعی و اولیه انسان‌ها است که در طول قرون و اعصار از جمله بحث‌برانگیزترین نهادها به شمار می‌رفته است. یکی از انواع آزادی، آزادی تن است که بر اساس آن انسان می‌تواند هرآن چه را که اراده کند انجام دهد. این نوع آزادی از دیرباز مورد حمایت بوده و امروزه نیز اعلامیه‌های جهانی مربوط به حقوق بشر و قوانین اساسی و عادی کشورهای مختلف به طرق گوناگون از آن حمایت می‌کنند. از طرفی برقراری امنیت عمومی و حفظ حریم و حقوق مردم در مقابله با تهدیدها و تجاوز احتمالی اشخاص نابهنجار و متجاوز به حقوق دیگران همواره از دغدغه‌های اصلی متولیان نظام عدالت قضایی بوده است. در همین راستا، اعمال مجازات زندان به‌عنوان یک واکنش سلب‌کننده آزادی علیه مجرمین و قانون‌شکنان از روش‌های معمول و رایج در اکثر کشورهای جهان است. تصور اینکه اعمال این مجازات مجرم را اصلاح و جامعه‌پذیر نموده و از تکرار جرم جلوگیری می‌کند و از سویی واجد خاصیت اربعایی و بازدارندگی عام نیز بوده و بزهکاران بالقوه را از تکرار جرایم بازمی‌دارد از مهم‌ترین مبانی

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، پردیس علوم و تحقیقات خوزستان، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز (نویسنده مسئول). meisam.imani0916@gmail.com

۲. استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد اندیمشک، دانشگاه آزاد اسلامی، اندیمشک. naghmeh.farhood@gmail.com

۳. استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز. imani@mailfa.com

* میثم، فرهود، نغمه و طاهری‌نسب، سید یزدان‌الله. (۱۴۰۱). حبس و حبس‌زدایی در فقه اسلامی و حقوق ایران. فصلنامه علمی-تخصصی مبانی فقهی حقوق اسلامی، ۱۵(۳۰)، صص ۲۳۹-۲۷۵. Doi: 10.30495/jijl.2022.69283.1581

توجه‌کننده مجازات زندان است. گرچه اساتید و علمای حقوق طی مقالات پراکنده‌ای به موضوع آسیب‌شناسی کیفر حبس پرداخته‌اند؛ اما آن‌گونه که اهمیت موضوع ایجاب می‌کند و چنان‌که باید و شاید، جنبه‌های مختلف موضوع موردبررسی قرار نگرفته است از این‌رو ضرورت پرداختن بیشتر به این امر احساس شد. هدف اصلی از انجام این پژوهش، ضمن استفاده از روش تحقیق کتابخانه‌ای، شناسایی خلأهای قضایی و اجرایی این مجازات و ارائه پیشنهادهایی جهت جبران کاستی‌ها و نیل به اهداف مربوطه است.

کلیدواژه‌ها

حبس، حبس زدایی، زندان، آزادی!!



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. معنای حبس

۱-۱. معنای لغوی

حبس در دو معنا به کار می‌رود:

الف - اباحه مجانی منافع برای جهتی یا شخصی معین و یا عنوانی از عناوین (مغنیه،

۱۴۰۴، ج ۲، ص ۸۶)؛

ب - زندانی کردن.

به تناسب بحث، معنای دوم یعنی زندانی کردن را مورد بررسی قرار می‌دهیم؛ حبس در فرهنگ فارسی معین به معنی زندانی کردن و بازداشتن آمده است. حبس در فرهنگ لغت عمید به دو معنای زندان و زندانی کردن آمده است و در لغت‌نامه دهخدا به معنای بازداشتن، واداشتن و بازداشت آمده است. واژه زندان در لغت‌نامه دهخدا: «زندان جایی است که متهمان و محکومان را در آن نگاهدارند.» این کلمه در فرهنگستان زبان و ادب فارسی به جای حبس پذیرفته شده است و در فرهنگ عمید این معانی برای آن آمده است: بندی خانه؛ محبس؛ محبس‌خانه؛ قیدخانه؛ جایی که محکومان و تبهکاران را در آنجا نگهداری می‌کنند.

در زبان عربی، واژه‌های زیاد و گوناگونی به معنی و مفهوم حبس دلالت دارد؛ مانند: سجن؛ وقف؛ ایقاف؛ حصر؛ اثبات؛ اقرار؛ امساک و... اما مشهورترین آنها همان دو واژه، سجن و حبس هستند؛ لذا به بررسی آن دو می‌پردازیم:

از مجموع آنچه بیان شد، چنین به دست می‌آید که مفاد و مفهوم دو واژه حبس و سجن عبارت است از محدود ساختن کسی و منع او از آمدن و تصرفات آزادانه؛ لذا می‌توان گفت زندان از نظر شرع، محبوس کردن در یک مکان تنگ نیست، بلکه عبارت است از اینکه شخصی بازداشت شود و از تصرفات دلخواه و آزادانه ممنوع گردد؛ خواه این بازداشت در خانه باشد یا در مسجد و چه از این طریق که فرد مورد نظر را زیر سرپرستی اجباری خود درآورد و یا اینکه وکیل یا مأموری را بر او بگمارد که در همه جا با او باشد و از او جدا نشود. از این رو در روایتی رسول خدا ﷺ زندانی را اسیر نامیده است. بنابراین باید

توجه داشت که در فرهنگ قرآن و شرع مقدس و سنت نبوی صلی الله علیه و آله حبس و زندان به معنای جای دادن مجرم و یا متهم در یک مکان تنگ و تاریک (سلول) نیست، بلکه فقط به معنای بازداشت است؛ یعنی از آمدن و تصرفات آزادانه او جلوگیری کردن و نه بیشتر (۴۴۴).

۲-۱. تعریف اصطلاحی

زندانی کردن فرد در ظاهر و نگاه اول و حتی از لحاظ ماهیت، نوعی کیفر است؛ زیرا این عمل نه تنها برخلاف میل و اراده فرد است و یکی از ویژگی‌های کیفر و سزا محسوب می‌شود، بلکه زندانی شدن برای فرد تنگناهایی ایجاد می‌کند که در حالت عادی روا و پسندیده نیست و هیچ کس دوست ندارد که موضوع آن قرار گیرد. این خصوصیت مشترک همه مجازات‌ها است که در اثر اجرای آنها نوعی محدودیت، اعم از مالی، جانی یا روانی، گفتاری یا رفتاری برای حق مالکیت یا حیات یا آزادی و حیثیت یا کرامت انسان ایجاد می‌شود؛ برای مثال، همان‌گونه که مصادره اموال یا جریمه نقدی تمام یا قسمتی از دارایی فرد را از او می‌گیرد یا شلاق و اعدام که تمامیت جسمی و حیات فرد را به طور موقت یا دائم تهدید می‌کند، حبس نیز آزادی رفت و آمد، رفتار و حتی گفتار و خوردن و خوابیدن او را تحت تأثیر شدید قرار می‌دهد و گاهی برخی از آنها را تعطیل می‌کند؛ بنابراین، به درستی می‌توان گفت حبس کیفر یا مجازات است؛ به عبارت دقیق‌تر نباید گفت زندان محل کیفر است.

ممکن است در زندان‌های امروزی، برخی آثار مثل محدودیت در گفتار، خوردن و خوابیدن و امثال آن کم‌رنگ‌تر از گذشته بوده و یا مشاهده نگردد، اما تغییر شکل یا شیوه محدودیت‌ها، یا پنهان ماندن آنها دلیل بر عدم وجود چنین آثاری یا کیفر نبودن حبس نیست. از این گذشته، نظام اداره زندان‌ها در هر عصر و زمانی و در هر کشوری به فراخور فرهنگ و باورهای زیر بنایی آن‌ها به گونه‌ای است که فرد زندانی دارای آزادی عمل معمولی خود نیست و همین کافی است تا وجود محدودیت‌های گفتاری و رفتاری نیز اثبات گردد. وانگهی، بحث در این است که زندان به خودی خود می‌تواند دارای چنین

محدودیت‌هایی باشد، منتهی بر اساس مقتضیات زمانی و مکانی یا ایدئولوژیکی محدودیت‌های مزبور متفاوت می‌شوند.

با بررسی تاریخچه مجازات‌ها ملاحظه می‌شود در گذشته شکل آنها کاملاً با چهره کنونی مجازات‌ها متفاوت بوده، اما در هر دو حالت، تحمیل و محدودیت برای فرد موضوع کیفر، امری بدیهی و آشکار بوده و هست. کیفر سالب آزادی نیز مانند بقیه مجازات‌ها از این امر مستثنا نبوده و می‌تواند به روش‌های تحمیلی و حتی غیرانسانی یا در قالبی انسانی و حتی دارای آثار خوب اعمال شود. افزون این‌که وجود مقررات خاص برای چگونگی صرف اوقات کاری و استراحت زندانیان در زندان‌ها، نحوه و ساعت خواب و بیداری آنها، وعده‌های غذایی و حتی نوع غذا و سایر امور شخصی زندانیان دلیل روشنی بر ماهیت کیفری زندان به مفهوم فوق است.

۲. تاریخچه حبس

۱-۲. تاریخچه فقهی

قدمت زندان به درازای قدمت عمر انسان است و در همه حکومت‌ها و ادوار از این مجازات استفاده شده است. در کتاب‌های مقدس آسمانی همچون قرآن، تورات و انجیل نیز از زندانی و حبس سخن به میان آمده است (گودرزی بروجردی، تاریخ تحولات زندان، ص ۱۳). دهه‌های نخست صدر اسلام را می‌توان دوران طلایی احترام به کرامت انسانی نامید. در این دوران، حقوق زندانیان با توجه به سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام رعایت می‌شد. بر کسی پوشیده نیست که در زمان شهادت حضرت علی علیه السلام تنها یک زندانی وجود داشته و او قاتل آن حضرت بوده است (شاطریان استرکی، «تاریخچه فقهی حبس»، مقاله، منتشر شده در www.shareh.com).

در صدر اسلام، مکان خاصی برای نگهداری مجرمین وجود نداشت. از یک طرف، نبودن تشکیلات منسجم حکومتی و از طرف دیگر، قلمرو محدود حکومت اسلامی، عواملی بودند که نیاز به ایجاد تشکیلاتی به نام زندان را غیرضروری ساخته بود. در زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و نیز در دوران ابوبکر ساختمان مخصوصی برای زندان وجود نداشت و در

آن زمان‌ها مجرمین را یا در مسجد و یا در خانه‌ها زندانی می‌کردند. حتی در عهد خلافت عمر و عثمان نیز برای زندان بنای ویژه‌ای نبوده است. در روایت آمده است رسول اکرم صلی الله علیه و آله افراد را در اتهام خون، حبس می‌کردند و در اتهامات دیگر، مقداری از روز را حبس می‌کردند. روش مذکور همان روش نیمه آزادی است که امروز در کشورهای مرفعی اجرا می‌گردد.

پس از دوران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و خلفای سه‌گانه، حضرت علی علیه السلام مبادرت به ایجاد زندان‌هایی به‌منظور اصلاح مجرمین نموده است. آن حضرت، پایه‌گذار اندیشه ایجاد زندان اصلاحی در تاریخ بشریت است.

۲-۲. تاریخچه حقوقی

در ایران پیش از اسلام، حبس از جایگاه چندان مستحکمی در میان مجازات‌ها برخوردار نبوده است؛ زیرا مجازات‌ها به تکامل چندانی نرسیده بودند، قوه قاهره یعنی حکومت‌های مدنی در همه‌ی ممالک موجود نبوده است و حبس اهداف موردنظر آن زمان از مجازات را برآورده نمی‌ساخت. در قوانین هخامنشی نیز زندان جایگاهی در میان کیفرها نداشته و اغلب اعدام، قطع عضو، شلاق و جزای نقدی مرسوم بوده است.

با تشکیل جوامع و ایجاد و توسعه و تقویت حکومت‌ها زندان نیز تا حدودی رواج یافت. برخی بر این باور هستند که گویا زندان برای نخستین بار در زمان خسرو پرویز در ایران به‌طور گسترده رایج شد؛ آن‌هم نه به‌عنوان مجازات، بلکه به‌مثابه یک اقدام تأمینی که مجرم در حبس نگاه داشته می‌شد تا توبه کند و در غیر این صورت، مجازات اصلی یعنی اعدام اجرا می‌شد.

در سال ۱۳۹۲ شمسی، دولت ایران به‌منظور سروسامان دادن به وضع (نظمیه) شهربانی کشور، عده‌ای مستشار از کشور سوئد استخدام کرد. مستشاران سوئدی ابتدا نظامنامه محابس (آئین‌نامه زندان‌ها) را تهیه کردند که در سال ۱۲۹۸ شمسی به تصویب هیئت دولت رسید. در این آئین‌نامه، زجر بدنی و زنجیر کردن زندانیان ممنوع گردید. در دوره سرتیپ درگاهی رئیس شهربانی وقت، نظامنامه تشکیلات محابس و توقیف گاه‌ها و وظایف

مأمورین و مستخدمین آنها تهیه و در ۳۱ شهریورماه ۱۳۰۷ شمسی به تصویب هیئت وزیران رسید و در همان سال، نظامنامه (آئین نامه) اجرای حکم اعدام نیز تصویب و به مورد اجرا گذارده شد.

در سال ۱۳۰۸ شمسی، اولین زندان ایران (زندان قصر) جهت نگهداری ۶۰۰ نفر محکوم بنا گردید. پس از شهریور ۱۳۲۰، تحت تأثیر علل ناشی از جنگ جهانی دوم، به تعداد بزهکاران ایران مانند اکثر کشورهای جهان افزوده شد و زندان‌ها را با کمبود جا مواجه ساخت. در ۲۱ مهرماه ۱۳۴۷، اولین آئین نامه زندان‌ها با توجه به اصول علم زندان‌ها به تصویب رسید و در سال ۱۳۵۴، آئین نامه مذکور اصلاح شد، اما به علت عدم امکانات، اکثر مفاد آن اجرا نگردید. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ تغییرات اساسی در وضعیت زندان‌های کشور رخ داد و بر اساس مصوبه شورای انقلاب اسلامی در تاریخ ۱۳ شهریور ۱۳۵۸، زندان‌ها از شهربانی منفک و به شورای سرپرستی زندان‌ها محول شد و سپس در بهمن سال ۱۳۶۴، با تصویب مجلس شورای اسلامی به سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور تبدیل شد (ایوبی، «تاریخچه تحول زندان‌ها در ایران» به نقل از www.bashgah.net).

۳. اهداف مجازات حبس

هر جامعه‌ای با توجه به وضع اقتصادی، سیاسی، تحولات اجتماعی، آداب و رسوم و اعتقادات مذهبی، سیاست کیفری خاصی را در قبال مجازات اتخاذ می‌کند. با این وجود در تعیین مجازات، همواره اهداف اخلاقی و فایده‌گرا مدنظر بوده، ولی تأکید بر یکی بیش از دیگری برحسب مکان و زمان یکسان نبوده است؛ به عنوان نمونه:

الف. بازدارندگی

ممانعت از ارتکاب جرم و تکرار آن، در نقش بازدارندگی مجازات سالب آزادی تجلی می‌یابد. مجازات حبس دارای خصوصیات و ویژگی‌هایی است که هدف ارعابی مجازات‌ها را تأمین می‌کند؛ از جمله این ویژگی‌ها، رنج‌آوری و رسواکنندگی است. با اعمال

مجازات حبس، مجرم درمی‌یابد که هرگاه در آینده بازهم مرتکب جرم شود، همین سرنوشت و حتی شدیدتر از آن در انتظار او خواهد بود و چون انسان برحسب غریزه از رنج گریزان است، از ارتکاب مجدد جرم خودداری خواهد کرد.

ب - اصلاح و بازپروری

با ظهور مکاتبی چون مکتب تحقیقی و دفاع اجتماعی جدید، این تفکر در نظام‌های مختلف رسوخ کرد که مجازات‌های مختلف ازجمله حبس را باید به گونه‌ای اجرا کرد که مجرمین به بدی اعمال خود پی ببرند و از طریق اصلاح و تربیت و بازپروری، آنان را برای زندگی مجدد و سازگاری اجتماعی آماده سازند. بر اساس همین طرز فکر است که هم‌اکنون زندان‌ها صرفاً برای تنبیه و عقوبت مجرمین ساخته نمی‌شوند، بلکه با اعطای کارکرد رسالت اصلاحی - درمانی به کیفر سالب آزادی، زندان از محل «پارکینگ» انسان‌ها به محل «بازپروری» آنان تبدیل می‌شود تا بتوان از تکرار جرم ناشی از اقامت صرف در زندان و تأثیرگذاری «خرده‌فرهنگ» خاص آن بر زندانیان پیشگیری کرد (؟؟؟).

بند «ز» ماده ۱۸ این آیین‌نامه، یکی از وظایف سازمان‌ها زندان‌ها را «ایجاد امکانات و تسهیلات لازم و مناسب برای تصدی امور بازپروری نظیر اصلاح، ارشاد، آموزش و ناسازگاری محکومان» تعیین کرده است. افزون بر این، ماده ۳ بند «ه» ماده ۲۴، مواد ۳۸ و ۳۹ نیز به وظیفه اصلاح و بازپروری محکومان توسط سازمان زندان‌ها اشاره دارند.

ج - دور کردن بزهکار از جامعه و تأمین امنیت اجتماع و شهروندان

دست کم در دوره‌ای که یک زندانی در زندان به سر می‌برد، قادر نیست به افرادی که در خارج از زندان هستند، آسیب برساند. همچنین اگر تلاش برای بازپروری بزهکار با شکست مواجه شده باشد، می‌توان با سلب دائم آزادی از وی، جامعه را از گزند او حفظ کرد. بدین ترتیب، مشاهده می‌شود آخرین کارکرد مجازات‌ها یعنی «سلب توان بزهکاری» نیز در مجازات حبس وجود دارد.

۳. آسیب‌شناسی کیفر حبس

۳-۱. ناتوانی کیفر حبس در دستیابی به اهداف

مجازات حبس از اهدافی برخوردار است؛ از جمله: ارعاب و عبرت‌انگیزی و بازسازی مجدد مجرم (اردبیلی، حقوق جزای عمومی، ج ۲، ص ۱۳۰-۱۲۸). مخالفان مجازات حبس معتقدند این مجازات نتوانسته اهداف فوق را برآورده کند. در این قسمت به دلایل مخالفان مجازات حبس راجع به ناتوانی و شکست مجازات حبس در دو قسمت خواهیم پرداخت.

۳-۲. ناتوانی در پیشگیری از جرم

یکی از اهداف مجازات‌ها، ارعاب و بازدارندگی است و منظور از آن، جنبه پیشگیرانه و سودمندانه کیفر است به این معنا که آن کیفر، چنان ترس و واهمه‌ای ایجاد کند که در وهله اول، نسبت به خود محکوم است تا تمایل به ارتکاب مجدد بزه را در او از بین ببرد و در وهله دوم، نسبت به عموم افراد جامعه که بزهکار بالقوه می‌باشند و ممکن است به تقلید از بزهکار اصلی مرتکب جرم شوند. تعبیر جلوگیری از اندیشه ارتکاب مجدد جرم از سوی مرتکب را پیشگیری خاص و جلوگیری از ارتکاب جرم به تقلید از بزهکار را پیشگیری عام می‌نامند.

اینکه آیا کیفر حبس توانسته این هدف مجازات‌ها را برآورده کند یا خیر به‌درستی معلوم نیست؛ به‌عبارت‌دیگر با در نظر گرفتن این هدف برای کیفر، آیا می‌توان معتقد بود از ارتکاب جرایم و تکرار آن در سطح جامعه جلوگیری به‌عمل آمده است؟ آمارها نشان می‌دهند که این کیفر در برآورده کردن این هدف موفق نبوده و باز مشاهده می‌شود نه تنها عموم افراد از ارتکاب جرم دست نکشیده‌اند، بلکه همچنین بخشی از جمعیت کیفری زندان را تکرارکنندگان جرم تشکیل می‌دهند و هرساله بر این تعداد افزوده می‌شود؛ برای مثال، آمار تعداد زندانیان در مهر و موم‌های ۱۳۷۰ الی ۱۳۸۱ از ۹۱۲۴۳ به ۱۵۱۰۶۲ نفر افزایش داشته است که مربوط به سال ۱۳۸۰ است؛ اگرچه نمی‌توان نقش عواملی همچون فقر، بیکاری، مهاجرت و غیره را در عدم پیشگیری مجازات حبس از ارتکاب جرم نادیده

گرفت، اما علت اصلی این امر که بخش عمده‌ای از جمعیت کیفری زندان را هنوز تکرارکنندگان جرم تشکیل می‌دهند، به نظر می‌رسد ناتوانی کیفر حبس در پیشگیری از وقوع جرم است (گودرزی، نارسایی‌های زندان، ص ۱۱۰).

۳-۳. شکست برنامه‌های اصلاح و درمان

بازپذیری مجدد اجتماعی بزهکار و اصلاح و درمان آنها یکی دیگر از اهداف مجازات‌ها است. اندیشه اصلاح و درمان بزهکار و بازسازگاری مجدد او، یکی از آموزه‌های فکری مکتب دفاع اجتماعی جدید است (صفاری، مجله تحقیقات حقوقی، ص ۴۲، ص ۳۰۳-۲۹۹). برنار بولک معتقد است اصلاح مقصر با این هدف است که او دوباره به راه خطا بازنگردد.

اندیشه اصلاح و درمان و بازپذیری در اسناد بین‌المللی منعکس شده است؛ به‌عنوان مثال، می‌توان به قواعد حداقل لازم‌الرعایه راجع به طرز رفتار اصلاحی با زندانیان مصوب ۱۹۵۵ و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در سال ۱۹۶۶، توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد اشاره کرد که در سال ۱۳۵۴، به امضای دولت ایران رسیده و مجلس نیز آن را به تصویب رسانده است. مفاد همین قواعد بود که قبل از انقلاب و بعداً توسط دولت جمهوری اسلامی ایران با تدوین آیین‌نامه‌های تحت عنوان آیین‌نامه اجرایی حبس در سال ۱۳۷۲ و سپس اصلاحیه آن در سال ۱۳۸۰، به مرحله اجرا درآمد. همه این معاهدات و مقررات و طرح‌های بین‌المللی و داخلی در جهت انسانی کردن مجازات حبس و اصلاح و درمان مجرمین پیش‌بینی و ارائه شده بودند، اما به لحاظ مشکلات و ایراداتی که بر حبس و نحوه اجرای آن وارد است جنبه‌های اصلاحی و بازپروری کیفر حبس دچار تردید و شکست شده است؛ به گونه‌ای که زندان امروزه با وجود تأکید بر جنبه‌های اصلاح و درمان و بازپروری آن، نه تنها نتوانسته در درمان و اصلاح بزهکاران موفق باشد که بر نرخ تکرار جرم ارتكابی توسط زندانیان بعد از آزادی از زندان افزوده شده است.

از جمله مواردی که می‌توان در تأیید عدم کار آیی کیفر حبس در جلوگیری از ارتكاب جرم و اصلاح و درمان مجرمین بدان اشاره کرد، تحقیق انجام‌شده در یکی از استان‌های

کشور است؛ بدین صورت که میزان تکرار جرم توسط کسانی که تحمل حبس کرده‌اند ۳۳/۸۲ درصد و در بین کسانی که مجازات آنها معلق شده تنها ۳/۹۵ درصد است.

۳-۴. تعارض با اصل شخصی بودن مجازات حبس

یکی از اصول حاکم بر مجازات‌ها، اصل شخصی بودن آن‌ها است؛ بدین معنا که در مکتب اسلامی هر کس مسئول اعمال خویش است و تخلفات و تعدیات هیچ کس به پای دیگری نوشته نمی‌شود. خداوند در قرآن می‌فرماید: «ولاتزروا وازره وزراخری» (اسراء، ۱۳). تلاش عمده حقوقدانان نیز ارائه مجازات‌هایی است که ضمن برآورده ساختن اهداف اصلاحی و پیشگیری از جرم قاعده مذکور را مراعات کرده باشد، اما به نظر می‌رسد زندان توانسته این خواسته را محقق سازد؛ به‌عنوان مثال، زندان منجر به قطع رابطه زندانی با زندگی عادی، خانواده، کار و دوستانش می‌شود. انتظار کسان و بستگان مجرم و درخواست آزادی او و مراجعات مکرر جهت ملاقات زندانی و مسئولین قضایی جهت آزادی و یا تخفیف مجازات زندانی همه و همه موجب هدر رفتن وقت و فعالیت اقتصادی آنان می‌شود و فشارهای اقتصادی و روانی که بر اطرافیان زندانی وارد می‌شود مبین این معنا است که این کیفر با اصل شخصی بودن مجازات زندان مغایرت دارد (زینالی، مجله حقوقی، ش ۴۲، ص ۴۲، به نقل از www.noormags.com).

۳-۵. تحمیل هزینه‌های اقتصادی بر جامعه

مملو شدن زندان از زندانی موجب توسعه تأسیسات و افزایش نیرو و سایر هزینه‌های مربوطه می‌شود که تأمین آن بر عهده دولت و از بودجه عمومی مملکت می‌شود؛ توضیح اینکه در مجازات حبس افزون بر این که افراد زندانی از کار و فعالیت بازمی‌دارد و جامعه از بازده آنان محروم می‌شود، دولت نیز اعتبارات زیادی صرف هزینه‌های احداث، بهسازی، تغذیه، بهداشت و دارو و درمان، متادون‌تراپی، هزینه‌های آب و برق و گاز و تلفن و سوخت، پرسنلی، مربی، تربیت‌بدنی، اصلاح و تربیت و... زندان‌ها می‌کند و از این حیث بودجه سنگینی به کشور تحمیل می‌شود و اقتصاد مملکت را تضعیف کرده و آسیب‌پذیر می‌نماید.

۳-۶. تراکم جمعیت زندان

در حال حاضر، با وجود بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌های متعدد قوه قضائیه در خصوص جایگزینی مجازات زندان، طبق اعلام رسمی هر دقیقه یک نفر وارد زندان می‌شود که در مقایسه با نظام کیفری کشورهای پیشرفته قابل تأمل است. این عامل مانع از آن است که بتوان مقدمات آزدسازی مجرمین و بازسازی آنان را فراهم کرد؛ به عبارت دیگر، تراکم سبب می‌شود که منابع انسانی و مالی بسیاری صرف انبار کردن انسان‌ها شود و بنابراین، کسانی که باید از درمان و برنامه‌های اصلاحی استفاده کنند، از آن محروم می‌شوند (محسنی، مجله حقوقی دادگستری، سال دوازدهم، ص ۷). افزون بر آن، سرچشمه‌ی ایجاد تنش هم برای کارکنان و هم برای محکومان است. بر اساس آمارها تعداد زندانیان قبل از انقلاب با توجه به جمعیت ۳۶ میلیون نفری حدود ۱۰ هزار نفر بوده است. اگر بنا باشد آمار رشد زندانیان را بر اساس جمعیت محاسبه کنیم، باید میزان زندانیان درون زندان‌های ایران با توجه به دو برابر شدن جمعیت به حدود ۲۰ هزار نفر می‌رسید؛ در حالی که تعداد زندانیان درون زندان‌های ایران حدود ۲۵۰ هزار نفر شده است (خبرآنلاین، دهم مردادماه ۱۳۹۰ به نقل از www.noormags.com).

۳-۷. مشکلات بهداشتی موجود در زندان

زندان‌ها در کشور ما و به‌طور کلی در اغلب کشورها با کمبود منابع مالی، نبودن مراقبت‌های بهداشتی و تغذیه‌ی مناسب مواجه هستند و از طرفی لازمه اجرای مجازات حبس این است که تعداد کثیری از افراد برای مدت‌زمان مختلف در یک مکان محبوس شوند. هرچند تعداد افراد زندانی رو به افزایش است، اما به‌موازات آن بر تعداد زندان‌ها افزوده نمی‌شود و به ناگزیر آنان را در همان زندان‌ها جای می‌دهند از این رو مشاهده می‌شود که در سلول‌های زندان سه یا چهار برابر ظرفیتی که از طرف مسئولان بهداشت معین گشته زندانی نگهداری می‌شود. در نتیجه، موقعیت زندان زمینه مساعدی است برای انتقال بیماری‌های مختلف و یکی از مهم‌ترین مسائل که امروزه ذهن بسیاری از مسئولان و متولیان امر را به خود مشغول کرده، شیوع و گسترش

این بیماری‌ها از جمله ایدز و سایر بیماری‌های عفونی و مسری در زندان‌های کشور است.

۳-۸. ایجاد مشکلات خانوادگی

کیفر حبس اگرچه در ظاهر بر خود زندانی تحمیل می‌شود، اما باید گفت زندانی شدن مجرم به شکل غیرمستقیم آثار زیان‌بار مالی، معنوی، فکری و روحی را بر خانواده زندانی به بار می‌آورد (کرمی، ص ۳۲، به نقل از مجله حقوقی فردوسی). به همین علت در برخی موارد از زندان به‌عنوان داروی بدتر از درد تعبیر می‌شود. به‌طورکلی تا زمانی که فرد وارد زندان نشده، هم او و هم خانواده‌اش از منزلت اجتماعی برخوردار هستند، ولی اگر شخصی حتی را نه به‌عنوان مجرم که به‌عنوان متهم، چند روزی در بازداشتگاه بگذرانند، با توجه به عرف عامه مردم و عدم فرق قائل شدن میان مجرم و متهم دیده می‌شود که با شخص رفتار خوبی نمی‌شود؛ حال در صورتی که فرد چند ماهی یا چند سالی را در زندان باشد، نه خود شخص و نه خانواده او موقعیت خوبی را تجربه نمی‌کنند و در بسیاری از موارد دیده شده است که حتی فرزندان یا بستگان شخص مجرم هم از عنوان مجرم بودن وی ضرر دیده‌اند که این مورد را می‌توان نوعی مخالفت و تعارض با اصل شخصی بودن مجازات‌ها تفسیر کرد زیرا در مجازات‌های سالب آزادی مثل حبس آثار زیان‌بار اجرای مجازات‌های تنها مجرم را در برنمی‌گیرد و خانواده آنها نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرند.

۳-۹. اثر روانی نامطلوب زندان بر زندانی

زندانی در زندان، فرصت زیادی در استفاده از فکر و قوه تخیل دارد. اگر این نیرو در جهت مثبت و در راه اصلاح او به کار گرفته نشود، قطعاً از این نیرو در جهت خلاف و ارتکاب بزه استفاده خواهد کرد (محدث، مقایسه تطبیقی تأثیر مجازات زندان با مجازات‌های جایگزین در پیشگیری از جرم، ص ۱۴). در مصاحبه‌هایی که با محکومان به حبس صورت گرفته است، احساس خود را هنگام اجرای مجازات این گونه تشریح کرده‌اند:

الف - احساس دل‌تنگی؛

ب - اضطراب و تشویش؛

ج - عذاب روحی؛

د - ترس؛

ه - بهت‌زدگی؛

ز - افسردگی و بی‌خیالی (عبدی، تأثیر زندان بر زندانی، ص ۱۸۲)؛

زندان همواره تأثیر عمیقی بر روح و روان زندانی برجای می‌گذارد. این تأثیر شاید سالیان دراز پس از زندان نیز اثر خود را بر جای بگذارد. انتقال به زندان نه تنها یک انتقال فیزیکی نیست که زندانی تازه مجازات‌شده کسی است که از وضعیتی از مجازات به وضعیت دیگری پا گذاشته و از این رو به دنبال هویت جدیدی است که خود را با وضعیت و موقعیت تازه سازگار نماید. بخشی از این هویت با برجسبی که جامعه به او می‌زند، شکل می‌گیرد و مابقی آن در ارتباط با افرادی است که با آن‌ها به سر خواهد برد و به همین علت است که زندان را آموزشگاه بزهکاری نام نهاده‌اند؛ زیرا فرد از طریق یافته‌های داخل زندان زمینه بزهکاری و تکرار جرم را فرا می‌گیرد. همچنین اگر دو عامل آزادی عمل زندانیان و تجمع تعداد زندانی مجرم و ناسازگار با جامعه را که باعث اندیشه مجرمانه زندانیان می‌شود، مدنظر قرار دهیم و یک طرف معادله بگذاریم، نتیجه معادله، فجایع بی‌شماری خواهد بود که می‌تواند در محیط بسته زندان‌ها اتفاق افتد.

زندانیان با مقایسه جرم خود با جرم دیگران و مدت زندان تعیین شده برای خود و اشخاصی که نظیر جرم او مرتکب شده و بحث در عادلانه و غیرعادلانه بودن احکام صادره نوعی بیماری و نبود آرامش در آنان به وجود می‌آید که حتی ممکن است به مراقبان زندان اعتراض و با آنان به خشونت رفتار کنند. این اثرات روانی در مورد زندانیانی که این نوع مجازات و یا مدت تعیین شده از طرف قاضی را با توجه به درجه اهمیت جرم ارتكابی و علل دیگر، منطبق با واقع ندانند و احساس بی‌عدالتی نسبت به خود داشته باشند و نیز کسانی که برای اولین بار به خاطر جرمی غیر مؤثر و کم‌اهمیت به حبس محکوم و روانه زندان شده‌اند، بسیار شدیدتر است و به گفته مارک آنسل، نتیجه این اختلالات یا اطاعت کورکورانه است که در آن مفهوم آزادی و ابتکار عمل فرد از بین می‌رود یا بر حالت طغیان است که به صورت پرخاشگری روزافزون و توسل به خشونت متجلی می‌شود.

۳-۱۰. آموزش و انتقال جرایم

متأسفانه امروزه زندان در عمل به یک محیط جرم‌زا و مجرم‌پرور تبدیل شده است؛ زیرا زندان به مکانی مناسب برای آماده کردن و انتقال فنون ارتکاب بزه طی مدتی که زندانیان در یکجا باهم ارتباط دارند، تبدیل شده است (منصورآبادی، ۱۳۸۶، ص ۹۵). با این توضیح که در وهله اول ممکن است در اثر تماس با بزهکاران حرفه‌ای داخل زندان، به مجرم حرفه‌ای تبدیل شود. به همین علت، برخی معتقدند زندان موجب ارتقای کیفیت جرم می‌شود؛ زیرا هر چه تراکم جرم بیشتر باشد، مقدار یادگیری شگردها و حیل‌های بزهکاری نیز بیشتر می‌شود. در وهله دوم، این بحث نسبت به سایر افراد جامعه مطرح می‌شود؛ زیرا زندانی با آزاد شدن، موجب انتقال فرهنگ و فنون مجرمانه به سایر عموم افراد جامعه می‌شود و پدیده‌ای به نام فرهنگ‌پذیری از زندان ممکن است نسبت به عموم رخ دهد و افراد زیادی به سمت ارتکاب بزه با الگو و فرهنگ‌پذیری از زندانی سوق پیدا کنند. در جرم‌شناسی معاصر، نظریه‌ای با عنوان «فرهنگ‌پذیری از زندان» مطرح شده که گونه‌های مختلف فرهنگ زندان در طول اقامت در حبس بر شخصیت و رفتار زندانیان اثر می‌گذارد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۳۷۶ به نقل از حاجی تبار فیروز جایی، ۱۳۸۶، ص ۴۶).

۳-۱۱. بیکاری و طرد اجتماعی

بیکاری و طرد اجتماعی از دیگر آثار زیان‌بار حبس افراد فعال جامعه است. مجازات حبس ضمن آن که در حین اجرا باعث بیکار شدن یک عضو فعال جامعه می‌گردد، پس از اجرا نیز باعث از دست رفتن موقعیت شغلی فرد می‌شود؛ به‌ویژه اگر مدت محکومیت او طولانی باشد و عضوی که در گذشته نیروی کار فعال جامعه بوده، اکنون به سربار جامعه تبدیل شده است؛ زیرا با بدبینی و نگاه منفی به وی می‌نگرند و از او یک چهره مجرم و خطرناک در ذهن افراد جامعه باقی می‌ماند. از طرف دیگر، زندانیان برنامه مشخصی ندارند و بلا تکلیف هستند؛ بنابراین، مجازات زندان نه تنها نیروی بازدارنده ندارد، بلکه حس مسئولیت را نیز در نهاد زندانیان از بین می‌برد و آنان را به بیکاری و تن‌پروری سوق می‌دهد؛

زیرا بسیاری از زندانیان مدت زیادی را در زندان به سر برده‌اند و در آنجا با بیکاری و تن‌پروری روزگار گذرانده‌اند و همه نیازهای آنان از خوراک و پوشاک، مسکن... بدون تحمل زحمت تأمین گشته و چنان این وضع عادی جلوه می‌کند که حتی برای بیرون آمدن از زندان میل چندانی نشان نمی‌دهند. در نتیجه، احساس مسئولیت در مقابل خود و خانواده‌شان در نهاد آنان نابود می‌شود و اگر از زندان بیرون بیایند، دوباره مرتکب جرمی می‌شوند تا به زندان برگردند؛ زیرا در زندان به برخی حوایجشان دسترسی پیدا می‌کنند که در بیرون از زندان امکان دسترسی به آنها را ندارند. از این رو در زندان هیچ نوع رنجی احساس نمی‌کنند و به طبع، شوق زندان آنها را به ارتکاب مجدد جرم وامی‌دارد تا بتوانند از واقعیت زندگی خود که در نظر آنها یک نوع زندانی جلوه‌گر شده خلاصی پیدا کنند (حاجی تبار فیروزجانی، ۱۳۸۶، ص ۵۴).

فرایند برچسب خوردن یک نفر یا برچسب خوردن عده‌ای در یک جامعه مانند جامعه زندان را نظریه پردازان به دو مرحله اساسی انحراف اولیه و انحراف ثانویه تقسیم کرده‌اند. در مرحله انحراف اولیه، افراد از هنجارهای اجتماعی سر برمی‌تابند، ولی برچسب نمی‌خورند و خود را منحرف نمی‌دانند و افراد جامعه نیز هنوز برای آنان احترام قائل‌اند و آنان را منحرف نمی‌دانند.

مرحله انحراف ثانویه زمانی رخ می‌دهد که رفتار انحرافی توسط افراد مهم جامعه مثل دوستان، والدین، کارفرمایان، مقامات، پلیس و دادگاه علنی و آشکار گردد. خطا کار و شخصی که هنجارها را زیر پا گذاشته به گفته کار فینکل، مراسم بی‌آبرویی برایش اتفاق می‌افتد که شخص در این صورت، محکوم به انحراف می‌شود و سرزنش و مجازات می‌گردد و مجبور می‌شود به برتری اخلاقی محکوم کنندگان اعتراف نماید و لذا با برچسب‌هایی مانند بدکاره، معتاد و ولگرد مواجه می‌شود که این امر سبب می‌شود حس انتقام و کینه به‌جای عبرت و عاطفه در دل زندانی آزاد شده به وجود آید و هر چه بیشتر از جامعه و اطرافیان فاصله گیرد، فرد و به‌دوراز نظارت و کنترل اجتماعی دوباره به ارتکاب اعمال مجرمانه مبادرت می‌ورزد.

۴. پیشنهاد و راهکار

۴-۱. راهکار تقنینی

حقوق کیفری به لحاظ در اختیار داشتن ضمانت اجرای کیفری و ارتباطی که با آزادی اشخاص جامعه دارد، در میان سایر رشته‌های حقوقی از اهمیت والایی برخوردار بوده و ضامن گسترش عدالت و امنیت در جوامع بشری است؛ لذا پیشرفت هر جامعه منوط به آن است که قوانینی پویا و مناسب و در جهت تأمین آزادی و امنیت وضع شود. این پویایی به معنای تغییر مداوم قوانین نیست؛ زیرا تغییر بدون برنامه و بی مطالعه، نه تنها مشکلی را حل نخواهد کرد که سبب سرگردانی قانون‌گذار در میان انبوه قوانین ناکارا و عدم آشنایی مردم به قوانین خواهد شد. امروزه دولت‌ها با تصویب قوانین کیفری در مرحله جرم‌انگاری، سعی در مشخص کردن محدوده ممنوعه افراد و جلوگیری یا حداقل، کاهش اعمال مجرمانه دارند (جعفرقی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۸).

رویه اتخاذی قانون‌گذار زمانی در عمل موفق خواهد بود که ضمن احترام به آزادی‌های خصوصی فرد، جرم‌انگاری را مستند به اصول و مبانی نظری و عملی موردپذیرش افکار عمومی جامعه و مجامع بین‌المللی نماید؛ زیرا امروزه این مراجع بین‌المللی مانع از این هستند که دولت‌ها بدون اصول و ضوابط خاص، آزادی‌های اشخاص را که در کنوانسیون‌های بین‌المللی و اسناد حقوق بشری و قوانین اساسی کشورها به رسمیت شناخته شده‌اند، سلب نمایند؛ بنابراین، قانون‌گذار باید بدون توجه به رویکرد ذهنی گرایانه صرف، به هنگام وضع قوانین کیفری به خصوص در جرم‌انگاری‌های غیرضروری و صرفاً امنیت‌گرا و باهدف سرکوبی هر نوع ناهنجاری و به هنگام رسیدگی‌های قضایی در تبیین حدود اختیارات قضات در تعیین نوع مجازات از جهت تناسب با خود مرتکب و شرایط و مقتضیات زمانی و توجه به واقعیت‌های جرم شناختی به عمل آورد تا با آثار زیان‌بار ناشی از بی‌توجهی به این مسائل که عامل عمده در افزایش تورم کیفری است، مواجهه نگردد.

اصولاً نهاد قانون‌گذاری باید از نوعی وحدت و تمرکز برخوردار باشد. مرجع

قانون‌گذاری باید نماینده جامعه در صدور و نواحی مختلف باشد و باید در حدود صلاحیت خود به وضع قوانین و مقررات موجود بپردازد. متأسفانه یکی از گرفتاری‌های مهم نظام تقنینی فعلی، تعدد مراجع قانون‌گذاری هم‌عرض است.

۴-۱-۱. تصویب قوانین در چهارچوب سیاست‌های کیفری اسلام

از آنجاکه اسلام دین جامع و کاملی است و در همه جنبه‌ها و حوزه‌های فردی و اجتماعی برنامه دارد، از این رو برای یافتن احکام اسلامی و ارائه آن در قالب قوانین و مقررات اجتماعی در جامعه، لازم است قبل از هر چیز سیاست‌های کیفری اسلام تعریف و تبیین شود و اگر این سیاست‌های کیفری تعریف نشود، مصوبات مجلس شورای اسلامی به‌عنوان دستگاه قانون‌گذاری نمی‌تواند فلسفه کیفر و مجازات در اسلام را محقق سازد. یکی از سیاست‌های کیفری در اسلام، اصلاح و تأدیب مجرم است. نظام کیفری اسلام بر آن نیست تا از مجرم انتقام بگیرد، بلکه هدف اصلاح مجرم و برگرداندن او به خانواده و جامعه است. مجازات در فلسفه و سیاست کیفری اسلام، پیشگیری از وقوع جرم نیز است؛ به این معنا که تأدیب مجرم از احتمال وقوع جرم به‌وسیله سایر افراد جامعه جلوگیری کند.

فلسفه تأکید بر تعریف و تبیین سیاست‌های کیفری اسلام این است که اگر در فرایند تقنین به این چهارچوب‌ها به‌عنوان سیاست‌های کلی و اساسی دقت نشود، هدف از مجازات و کیفر به فراموشی سپرده خواهد شد. زندان در اسلام نه به‌عنوان مجازات که بیشتر به‌عنوان یک ضرورت در نظر گرفته شده است و موارد آن نادر است؛ بنابراین، دستگاه قانون‌گذاری می‌بایست با در نظر گرفتن اهداف و فلسفه نظام کیفری و جزایی اسلام و با در نظر داشتن اصل کرامت و آزادی و هویت انسان که در اسلام به آن تأکید فراوان گشته است، به دنبال تصویب قوانین پیشگیرانه از وقوع جرم باشد.

۴-۱-۲. کاهش عناوین جرم و بزه در قانون

استفاده بی‌رویه از حقوق کیفری و جرم‌انگاری‌های افراطی کیفری، عواقب و

پیامدهای جبران‌ناپذیری از جمله تورم کیفری دارد که نظام‌های مختلف حقوقی را با بحران مواجه کرده است؛ حال آنکه می‌بایست در مرحله جرم‌انگاری با بازگشت به اصول بنیادین حقوق کیفری گستره قلمرو آن حفظ شده و در مرحله بعد، جنبشی با هدف کنار گذاشتن حقوق جزای کلاسیک و جایگزینی برخوردهای غیرکیفری با پدیده جنایی، گامی مؤثر در جهت تضییق قلمرو مداخله کیفری برداشته شود.

جرم‌زدایی به‌عنوان یکی از جلوه‌های تحدید مداخله دامنه حقوق جزا و یکی از طرق مهم مهار نظام عدالت کیفری، برای نخستین بار در دهه‌های شصت و هفتاد میلادی باهدف تورم‌زدایی کیفری، یعنی تعدیل عناوین مجرمانه یا تعداد جرایم در قانون مجازات در قالب دیدگاه‌های دفاع اجتماعی نوین، مطرح شد. اگرچه قبل از آن نیز اندیشمندانی چون بکاریا با تأکید بر تقلیل شمار جرایم و حذف برخی عناوین مجرمانه این بحث را پیش کشیده بودند.

در این میان، تلاش طرفداران جنبش دفاع اجتماعی نوین به‌ویژه مارک آنسل که با آگاهی از تحولات جوامع اروپا و ضرورت انطباق قوانین کیفری ناشی از آن غیرقابل‌انکار است؛ لذا بهره‌گیری از این الگو در سیاست جنایی می‌تواند رهیافت‌هایی چون حفظ توازن اجتماعی میان شهروندان و جلوگیری از گسترش بی‌اندازه حقوق کیفری و آثار سوء آن دست‌یافت.

با توجه به موارد فوق در تعریف جرم‌زدایی می‌توان گفت: جرم‌زدایی شامل آن فرایندهایی است که از طریق آن، صلاحیت نظام کیفری برای اعمال ضمانت اجراها، به‌عنوان واکنشی نسبت به بعضی از رفتارها یعنی برای رفتارهای مجرمانه خاصی سلب می‌شود و در یک تعریف ساده‌تر می‌توان گفت جرم‌زدایی یعنی فرایند زدودن برچسب، عنوان یا وصف مجرمانه از یک عمل یا از یک رفتار در نتیجه در حال حاضر جرم‌زدایی یکی از راهکارهای عقب‌نشینی کیفری تلقی می‌شود که آن را قانون‌گذار به دو گونه اعمال می‌کند:

۱. جرم‌زدایی رسمی: یعنی قانون‌گذار به خاطر مشاهده نارسایی‌هایی موجود در اجرای قانون، عدم موفقیت آن در مبارزه با پدیده بزهکاری، هزینه‌های زیاد ناشی از اجرای قانون

و تبعات منفی و تورم کیفری ناشی از عملی را که سابقاً جرم بوده، فاقد این وصف نمایند که این امر ممکن است به روش‌های مختلفی چون به رسمیت شناختن عمل مزبور، اتخاذ موضع بی طرف و یا توسل به سایر تضمینات حقوقی صورت گیرد.

۲. جرم‌زدایی عملی: عبارت است از پدیده تدریجی کاهش فعالیت‌های نظام عدالت کیفری در قبال برخی رفتارها یا اوضاع و احوال هرچند رسماً و قانوناً در صلاحیت آن نظام تغییری حاصل نشده باشد.

مراجع تقنینی کشور باید با برداشت‌های موسع از سیاست جنایی طی فرایند قانون‌گذاری با تلقی سیاست جنایی به‌عنوان بخشی از سیاست‌های عمومی دولت و تأملی معرفت‌شناسانه برای درک و تحلیل از بزهکاری و انحراف و راه‌های مبارزه با آنها در کنار دولت، جامعه مدنی و در کنار کیفر، پاسخ‌های غیر کیفری را در این فرایند مدنظر قرار دهند؛ لذا مراجع قانون‌گذاری در ضمن طرح‌ها و لوایحی که مربوط به مسائل و موضوعات کیفری است، طی مطالعات کارشناسی شده و دقیق و در مجموع و با قطع نظر از برخی فراز و فرودها با لحاظ عناصر و مؤلفه‌های تورم‌زدایی مانند تمرکز بر مفهوم موسع از سیاست جنایی و راهبرد مشخص در فرایند قانون‌گذاری؛ با عدم تأثیرپذیری از التهابات و نوسانات سیاسی اجتماعی بیرونی و وجود برنامه‌های مشخص و هماهنگ میان مفاد طرح‌ها و دیدگاه‌ها برداشت‌های یکسان نمایندگان مجلس از مسائل کیفری در فرایند تدوین و تنظیم این طرح‌ها و ارائه راهبردی مشخص در جریان قانون‌گذاری و با عدم تمرکز بر رویکرد امنیت‌گرا که مبتنی است بر احساس ناامنی، طرفداری از سرکوب و شدت عمل کیفری، کاهش اختیار دادگاه در انتخاب مجازات و فردی کردن ضمانت اجراها، اعطای اختیارات وسیع به پلیس و نهادهای امنیتی برداشت‌های سنتی از بزه و بزهکار در مرحله وضع قوانین کیفری گام‌های موفق و کارا بردارند.

نکته قابل توجه اینکه عمده تمرکز جرم‌زدایی در ایران باید پیرامون عدم نگه‌داری معتادان در زندان‌ها باشد؛ زیرا صرفاً زندانی کردن معتاد، نه تنها موجب درمان وی نخواهد شد که زندان‌ها را نیز با مشکلات فراوانی به لحاظ گسترش بیماری‌هایی از جمله ایدز و هپاتیت مواجه می‌کند (شهیدزاده، ۱۳۸۶، ص ۱۴۴).

۴-۱-۳. زندان‌زدایی از قانون (جایگزین‌های حبس)

برخی چنین می‌پندارند که با اجرای این سیاست، آرامش و امنیت عمومی به خطر می‌افتد و مجرمین خطرناک و بزه‌کاران حرفه‌ای و سازمان‌یافته فرصتی می‌یابند تا به راحتی حریم شخصی و امنیت مردم را مورد تجاوز قرار دهند. در پاسخ به این شبهات باید اذعان داشت سیاست زندان‌زدایی یا کاهش استفاده از مجازات زندان هرگز به معنای بزه‌پوشی یا آزاد گذاشتن بزه‌کاران عمومی و مجرمین خطرناک در تجاوز به حقوق شهروندان نبوده و نخواهد بود، بلکه این سیاست در نظر دارد ضمن فرهنگ‌سازی و اطلاع‌رسانی و تنویر افکار عمومی جامعه برای این دسته افراد بهترین روش‌ها که بالاترین میزان بهره‌وری و اثربخشی را داشته باشد برگزیند.

کاهش استفاده از زندان یا زندان‌زدایی فرایندی است که می‌کوشد در عرصه سیاست جنایی، تقنینی، قضایی و اجرایی ضمن پیش‌بینی و ارائه روش‌ها و راهکارهای مناسب جایگزین حبس با تأسی از آخرین تجارب مکتسبه، از ورود بی‌رویه و گسترده بزه‌کاران جرایم خفیف و کم‌اهمیت و خصوصاً جرایم غیر عمد همچون بدهکاران مالی، اشخاص ناتوان از تودیع وثیقه یا معرفی کفیل به زندان‌ها جلوگیری نموده و با ارائه راهکارهای پیشگیرانه و طراحی سیاست‌های مراقبت بعد از خروج از زندان، مانع تکرار وقوع و جرم شده و در عوض با ارائه فرصتی مقتضی و شایسته به چنین اشخاصی زمینه‌های جبران و ترمیم خسارات ناشی از جرم، تأدیه دیون و عنداللزوم اصلاح و بازپروری مرتکبین این دسته از جرایم را باهدف تقلیل اثرات مخرب زندان فراهم نماید.

امروزه بیشتر مردم به آثار اصلاحی و تربیتی زندان به چشم شک و شبه می‌نگرند و معتقدند عملاً زندان هیچ نقشی در تغییر بینش مجرمانه محکومان به عهده ندارد. شاید هم دلیل آن ارتکاب مجدد به جرم توسط عده زیادی از محکومان پس از آزادی از زندان و برگشت مجدد آنها به زندان است؛ بنابراین، کاربرد تدابیر لازم به‌منظور جایگزین حبس و مجازات‌های دیگر به‌غیر از حبس در هر جامعه مستلزم محیط اجتماعی مناسب بوده و آگاه کردن افکار عمومی و عملکرد جایگزین‌ها شرط ضروری مقبولیت آنها نزد افکار عمومی جامعه است. از سوی دیگر، موفقیت دستگاه حاکمیت در هر جامعه جهت اجرای

جایگزین‌های حبس، عوامل مهمی چون فرهنگ‌سازی و بومی‌سازی منطبق بر موقعیت جغرافیایی و شرایط اجتماعی، بوم و اقلیم، فرهنگ و نژاد، اقتصاد و سیاست آن جامعه است، به گونه‌ای که مورد قبول مردم باشد و از آنها پشتیبانی کنند. از سوی دیگر، همواره باید به جرایم مهم، خشن، موهن، سازمان‌یافته و جرایمی که ارتکاب آنها احساسات توده زیادی از آحاد جامعه را تهییج می‌کند، توجه جدی شود و از سازوکارهای لازم مثل حبس، شدت عمل اردوگاه‌های کار اجباری، تبعید، انتقال و اعدام، جهت عبرت‌آموزی و تنبه و ایمن‌سازی جوامع همت گماشت.

در عصر حاضر نظام‌های قضایی و کیفری باید کامل‌تر و امروزی شود تا محکومیت‌ها و اعمال آن‌ها به گونه‌ای باشد که اعتماد زندانی به او بازگردد و برای ایفای نقشی سازنده و مفید در جامعه آماده شود زندان باید آخرین چاره باشد آن‌هم برای کسانی که تهدید آشکاری برای اجتماع هستند.

امروزه در بسیاری از نظام‌های جزایی جایگزین‌های گوناگونی برای محکومیت به حبس در نظر گرفته شده است؛ از جمله بازداشت در منزل، آزادی محدود، آزادی با مجوز، مجازات تعلیقی که دامنه آن از حبس تعلیقی تا آزادی مشروط را در برمی‌گیرد، جایگزین‌هایی که هم به سود مجرم است و هم به سود جامعه، اجرای طرح خدمت به جامعه به جای رفتن به زندان، استفاده از مچ‌بند‌های الکترونیکی به عنوان زنجیرهای نامرئی نشان می‌دهد که انسان در قرن حاضر در کیفرشناسی علمی خود به دنبال راه‌هایی می‌گردد که در آن اثری از زندان نباشد و به جای زندانی کردن مجرم از شیوه‌های جایگزین دیگری استفاده نمایند (داوودی گرمارودی، ۱۳۸۶، ص ۵۷).

تعداد زیادی از زندانیان، افرادی هستند که محکوم نشده‌اند، اما آنها برای بازجویی یا تکمیل پرونده جهت تشکیل دادگاه و صدور حکم بازداشت هستند. هرچند این گونه زندانیان (متهم) از لحاظ نظری تا زمانی که جرمشان ثابت نشده است، بی‌گناه تلقی می‌شوند، اما تجربه آن‌ها از زندگی در زندان واقعاً تفاوتی با مجرمین ندارد. برای این گونه افراد باید روش‌های دیگری غیر از بازداشت در نظر گرفت که حضورشان را در دادگاه تضمین کند. بعضی از این روش‌ها مانند قوانین سرپرستی اجباری، تسلیم مدارک ویژه

وثیقه هم اکنون وجود دارد و قضات باید این گونه روش‌ها را به عنوان جانشین‌هایی برای زندان در نظر بگیرند.

۴-۲. راهکار قضایی

حبس‌زدایی به عنوان مهم‌ترین رویکرد در زمینه تورم‌زدایی کیفری در همه مراحل رسیدگی‌های کیفری قابل تصور است. این فرایند در مرحله تحقیقات مقدماتی توسط مقامات قضایی تعقیب در دادسرا با جرح و تعدیل و برخورد محتاطانه در صدور قرار بازداشت موقت محقق می‌گردد؛ زیرا بر کسی پوشیده نیست که در وضعیت فعلی بخش اعظمی از ورودی‌های زندان کشور را متهمان تحت قرار بازداشت تشکیل می‌دهند، در نتیجه لزوم رعایت حقوق شهروندی و حفظ کرامت انسانی ایجاب می‌کند تا حد امکان از صدور قرار بازداشت موقت خودداری شود؛ اولاً از طریق استفاده صحیح و مطلوب از اهرم‌های جایگزین پیش از محاکمه به ویژه جانشین‌های بازداشت موقت و ثانیاً لزوم دقت قضات در صدور قرار بازداشت موقت به منظور مقابله با بحران انباشت جمعیت کیفری زندان‌ها و مجاب کردن قانون‌گذار در بازنگری جدی قوانین و روش‌های مرسوم و نظارت دقیق در جریان صدور قرارهای بازداشت موقت.

در مرحله رسیدگی و صدور حکم نیز خوشبختانه در قانون مجازات اسلامی جدید تعلیق اجرای مجازات و تعویق صدور حکم^۱ و جایگزین‌هایی برای کیفر حبس پیش‌بینی شده

۱. ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی: «در جرایم موجب تعزیر درجه شش تا هشت دادگاه می‌تواند پس از احراز مجرمیت متهم با ملاحظه وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است، در صورت وجود شرایط زیر صدور حکم را به مدت شش ماه تا دو سال به تعویق بیندازد: الف - وجود جهات تخفیف. ب - پیش‌بینی اصلاح مرتکب. پ - جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران. ت - فقدان سابقه کیفری مؤثر».

ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی: «در جرایم تعزیری درجه سه تا هشت، دادگاه می‌تواند در صورت وجود شرایط مقرر برای تعویق صدور حکم، اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را از یک تا پنج سال معلق نماید. دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری نیز پس از اجرای یک‌سوم مجازات می‌تواند از دادگاه صادرکننده حکم قطعی، تقاضای تعلیق نماید. همچنین محکوم می‌تواند پس از تحمل یک‌سوم مجازات، در صورت دارا بودن شرایط قانونی، از طریق دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری تقاضای تعلیق نماید».

است (ماده ۶۶ همان) که لازم است قضات توجه ویژه‌ای به آن داشته باشند؛ برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. جزای نقدی به دلیل وجود محاسنی از جمله جلوگیری از انحراف و تباهی مجرمین اتفاقی در محیط جرم‌زای زندان و به تبع آن، جلوگیری از تکرار جرم دارد؛ زیرا اثر تثبیتی جزای نقدی در اثر تکرار از بین نمی‌رود و هرچند بار هم اجرا شود، همچنان آزاردهنده است و امکان ایجاد تناسب میان جرم و مجازات نقدی وجود دارد، همچنین محل درآمدی برای دولت به شمار آمده و از نظر اقتصادی مقرون‌به‌صرفه است (ماده ۷۹ همان).

۲. اشتغال به کارهای عام‌المنفعه به‌عنوان جایگزین حبس که از ضمانت اجرای جدید اجتماعی است و به‌صورت مدون و برای نخستین بار وارد حقوق کیفری انگلستان و ولز شد و در اکثر کشورهای پیشرفته جهان اجرا می‌شود و کاهش جمعیت کیفری را به دنبال دارد (حاجی‌تبار فیروزجانی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۴).

۳. محرومیت‌های شغلی و حقوقی، این تدبیر ماهیتاً اقدام تأمینی و تربیتی است که امروزه از مهم‌ترین جانشین‌های حبس محسوب می‌شود، این تدابیر از امتزاج عوامل جرم‌زا جلوگیری می‌کنند که هدفش پیشگیری از تکرار جرم نیز است در اکثر کشورهای جهان به قضات این امکان داده شده است که این محرومیت‌ها و ممنوعیت‌ها را به‌جای کیفر حبس و به‌عنوان جانشین آن مورد حکم قرار دهند که در این صورت به‌عنوان مجازات اصلی جانشین کیفر به معنی اخص در حکم صادره قید و خصوصیات مجازات‌ها را دارا می‌باشند.

با جایگزین کردن این اقدام تأمینی به‌جای کیفر حبس، نه‌تنها هدف ترذیلی مجازات تأمین می‌شود که مجرم این مجازات را هم از نظر مالی و هم از نظر حیثیتی لمس می‌کند؛ یعنی از نظر مالی زیان می‌بیند و از نظر حیثیتی هم در اجتماع تا اندازه‌ای متزلزل می‌شود؛ لذا ترس از ضرر مالی و حیثیتی ناشی از اجرای این محکومیت عامل پیشگیری وضعی از جرم محسوب می‌شود.

۴. رعایت تناسب میان مدت حبس و سابقه مجرم: برای مجرمینی که فاقد سابقه کیفری هستند، استفاده از حبس مناسب است؛ زیرا همان‌گونه که گفته شد با زندانی شدن مجرم، خانواده او نیز درگیر مشکلات اقتصادی و اجتماعی می‌شوند و چه‌بسا این حکم موجب

افت تحصیلی فرزندان و سوق یافتن آنها به سمت ارتکاب جرم شود.

گاهی مشاهده می‌شود که از چنین خانواده‌هایی، چندین نفر به فساد اخلاقی گرایش پیدا نموده و در نهایت، آنها نیز گرفتار حبس می‌شوند. از آنجا که تعیین حداقل و حداکثر بسیاری از مجازات‌های تعزیری و بازدارنده در دست قاضی بوده و یا به قول فقها «بما یراء الحاکم» است، باید توجه داشت که در برخی مواقع استفاده از حداقل مجازات در مجرم اثر بازدارندگی داشته و موجب اصلاح وی می‌شود، اما در مواردی که احتمال ارتکاب مجدد جرم در آینده از سوی متهم بسیار است، تعیین حداقل مجازات برای وی نه تنها نقش بازدارندگی ندارد؛ بلکه موجب تجری مجرمین دیگر و یا تکرار جرم توسط همان مجرم می‌گردد، از این رو لازم است قضات با توجه به وضعیت مجرم اقدام به صدور حکم با حداقل یا حداکثر مجازات نمایند.

۵. استفاده از قرارهای وثیقه، کفالت و ضمانت. در تعیین وثیقه لازم است توانایی متهم در تودیع آن مورد توجه قرار گیرد و همچنین برای تسریع نیز تا مبلغی معین نیاز به ارزیابی کارشناس نباشد. از طرف دیگر، هم دادگاه باید پس از صدور قرارهای یادشده و ارائه این ضمانت‌ها از سوی مجرم در اسرع وقت نسبت به قبول آنها اقدام نماید.

۶. رسیدگی به پرونده متهمان در کوتاه‌ترین زمان. بررسی پرونده متهمان در کمترین زمان ممکن از دیگر راهکارهای مناسب و مفید در این راستاست؛ زیرا گاهی مشاهده می‌شود مجرمی با قرارهای مختلف راهی زندان شده و با وجود سپری شدن چندین ماه، هنوز زمان برگزاری جلسات دادرسی فرانسیده است تا تکلیف وی روشن شود. خوشبختانه این مهم در ماده ۳۴۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ پیش‌بینی شده است.

۷. تسریع در رسیدگی به پرونده اعسار محکومان مالی و در صورت امکان اختصاص شعبی ویژه برای رسیدگی به این موضوع. اختصاص شعبی ویژه رسیدگی به درخواست اعسار محکومان مالی نیز مانع از ورود شمار فراوانی از مجرمین این‌گونه جرایم به زندان‌ها خواهد شد. افزون بر این که قرار نیست محکوم علیه ابتدا به زندان برود و سپس دادخواست اعسار تقدیم نماید؛ زیرا وی برابر قانون می‌تواند پیش از رفتن به زندان نیز دادخواست اعسار خود را ارائه دهد.

۸. با توجه به این که اصلاح مجرمین در داخل زندان‌ها در مقایسه با محیط بیرون به نحو بهتری امکان‌پذیر است، از این رو قضات باید همواره در زندان‌ها حضور یافته و به وعظ و پند مجرمین بپردازند؛ زیرا نفوذ ذهنی قاضی در مجرمین از هر فرد دیگری بیشتر است و یکی دیگر از فواید این امر، آگاهی قضات از وضعیت مجرمین است.

۹. عدم اطمینان کامل قضات به عملکرد ضابطان و اثبات جرم با استفاده از دلایل معتبر قانونی و نه هر مدرکی. بر اساس قاعده ارادی و اختیاری بودن اظهارات، متهم آزاد است که در مقابل پرسش‌های مأمور تحقیق و بازجویی سکوت نماید. اصل ۳۸ قانون اساسی، هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع را ممنوع و اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند را غیرمجاز و چنین شهادت و اقرار و سوگندی را فاقد ارزش و اعتبار دانسته است؛ اقراری که قانون‌گذار در مواد متعدد قانون مجازات اسلامی آن را معتبر دانسته و صدور حکم بر مبنای آن را تجویز می‌نماید، اقراری است که در دادگاه و نزد قضات صورت گیرد نه هر اقراری. در این راستا قضات به منظور تأمین عدالت کیفری و ممانعت از اعمال کیفرها و حبس‌هایی که بر اساس مدارک و دلایل ساختگی دامان عده‌ای بی‌گناه را می‌گیرد، می‌توانند با بررسی دقیق و عدم اطمینان کامل به عملکرد ضابطان، در فرآیند حبس‌زدایی مهم‌ترین نقش را ایفا نمایند و به فرموده حضرت علی (ع) - اگر هزاران مجرم برائت حاصل کنند، بهتر است از آن که یک بی‌گناه به کیفر برسد - جامه عمل بپوشانند.

۱۰. استفاده از عفو که موجب از بین رفتن دائمی مجازات مجرمین است و اغلب به دو صورت عفو عمومی متعاقب انقلاب‌ها و بروز بحران‌های داخلی کشورها یا عفو خصوصی که در حال حاضر رویه‌ی معمول بسیاری از کشورهاست و محاسن عمده‌ای از جمله کاهش و تعدیل اشتباهات قضایی، تلاش زندانیان برای اصلاح و تغییر رفتار خود و مهم‌تر از همه کاهش جمعیت زندانیان و تورم‌زدایی را به دنبال دارد مورد استفاده قرار گیرد (اردیلی، حقوق جزای عمومی، ج ۲، ص ۲۳۹).

۱۱. بهره‌گیری از تأسیسات نوین و کارسازی مانند تعلیق مجازات، تخفیف و تبدیل مجازات، آزادی مشروط، آزادی به شرط سپردن ضمانت، تعلیق مراقبتی ساده و فشرده تقسیط جریمه‌های نقدی، اعمال عفو عمومی، خصوصی و موردی که هر یک به نوبه خود

می‌تواند در قبال مجرمینی که حائز شرایط لازمه هستند، نسبت به تأمین اهداف اصلاحی مجازات‌ها مؤثر باشد و ضمن کاهش جمعیت کیفر زندان‌ها، مجرم را از آثار و تبعات سوء زندان مصون و محفوظ نموده و امکان باز اجتماعی کردن وی را بیش از پیش فراهم سازد. افزون بر موارد ذکر شده از جمله اقدامات قوه قضاییه در زمینه حبس زدایی و کاهش جمعیت کیفری ایجاد نهادی به نام شورای حل اختلاف در نظام قضایی کشور است که وجود این شوراها موجب کاهش تراکم پرونده‌های موجود در دستگاه قضایی می‌شود. از کارکردهای مهم شوراهای حل اختلاف، می‌توان کمک به تسریع در مختومه شدن پرونده‌ها از طریق صلح و سازش اشاره کرد.

۳-۴. راهکار اجرایی

زندانبانی نوین باید به دنبال سیاست‌های اصلاحی و تربیتی، بازپروری، تغییر بینش مجرمانه، ارتقا و توانمندی زندانیان و ایجاد بستر جامعه‌پذیری و اجتناب از گرایش به سوی اقدامات انتقام‌جویی و پیشبرد و ارتقای امنیت اجتماعی و طراحی و اجرای سیاست‌های نوین بازپروری باشد. مرحله اجرای حکم، از حساس‌ترین و درعین حال فنی‌ترین مراحل دادرسی تلقی می‌شود و در این مرحله است که ثمره نهایی فرایند دادرسی به بار می‌نشیند و لذا وقوع هر نوع لغزشی در این مرحله، می‌تواند لطمات بزرگ و جبران‌ناپذیری را بر پیکره نظام عدالت کیفری وارد سازد.

در خصوص استفاده از تدابیر جایگزین حبس همچون جرایم نقدی، خدمات عام‌المنفعه، حبس‌های الکترونیکی، مجازات‌های اجتماعی، ملاحظات ملی و داخلی و اجتماعی به‌تنهایی پاسخگو نیست و باید ضمن جذب و به‌کارگیری نیروهای مستعد و متخصص، ایجاد امکانات فیزیکی و اقتصادی لازم سایر قوای کشور در این مهم مساعی و همکاری لازم را مبذول دارند؛ به‌عنوان مثال راهکارهای اجرایی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. اتخاذ راهکارها و به‌کارگیری ابزارها و روش‌های آموزشی نوین از ابتدایی‌ترین نهادهای تربیتی جامعه همچون خانواده، مدرسه، دانشگاه، خوابگاه‌های شبانه‌روزی،

ادارات، کارخانه‌ها و هر مؤسسه و به‌طورکلی هر مکانی که گروهی از افراد جامعه در آنجا اشتغال یا اسکان دارند تا بدین‌وسیله ضمن اطلاع‌رسانی مسائل حقوقی و مواد مخدر و عوارض ناشی از آن و اعتیاد و... در بین آحاد جامعه از گرایش افراد به سمت اعمال مجرمانه پیش‌گیری شود.

۲. اعطای مرخصی‌های پی‌درپی به افرادی که حائز شرایط لازم برای استفاده از مرخصی هستند، به‌خصوص در موضوع جرایم مالی به‌منظور جلب رضایت شاکیان؛ زیرا این امر نقش بسزایی در کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها دارد.

۳. تقویت کمیسیون عفو و بخشودگی. با معرفی افراد مستحق عفو و بخشودگی به این کمیسیون و قبول تخفیف مجازات آنها می‌توان در راستای کاهش جمعیت کیفری گام ارزشمندی برداشت.

۴. تقویت ستاد دیه و صندوق اعطای وام دادگستری. با تقویت ستاد دیه و شناسایی خیران می‌توان شمار فراوانی از زندانیانی که به خاطر مبالغه‌چندان بالا در حبس به سر می‌برند را آزاد نمود. از طریق افزایش اعتبار صندوق وام دادگستری نیز می‌توان نسبت به اعطای وام‌های کم‌بهره به زندانیان جرایم مالی و اخذ رضایت شاکیان آنها و درنهایت آزادی این افراد اقدام نمود.

۵. ایجاد و توسعه کارگاه‌های حرفه‌آموزی و اشتغال و تولید به‌گونه‌ای که زندانیان بدهکار به‌راحتی امکان اشتغال در کارگاه‌های درون زندان یا خارج زندان حتی بدون اخذ وثیقه را داشته باشند تا بتوانند نسبت به پرداخت دین خویش به شاکیان اقدام نمایند.

۶. ایجاد بانک‌های اطلاعاتی جامع و قوی که امکان دسترسی سریع به سوابق زندانیان را ممکن ساخته تا در مواقع نیاز به اطلاعات آنها زمان زیادی را زندانی به‌صورت بلا تکلیف در زندان سپری ننماید که این‌گونه می‌توان به‌راحتی از اطاله فرایند دادرسی جلوگیری کرد.

۷. تقویت مراکز مراقبت از خروج زندانیان به‌منظور رسیدگی به مشکلات اقتصادی و اجتماعی زندانیان آزادشده و جلوگیری از بازگشت آنان خصوصاً افراد سابقه‌دار.

۸. استفاده از کلینیک‌های مشاوره و روان‌درمانی با بهره‌گیری از متخصصین علوم

روانشناسی و مددکاری و رفتاری جهت اصلاح، تربیت و بازسازی شخصیت و افعال مجرمانه مددجویان.

۹. نظارت و ارزیابی. بدون شک رمز موفقیت و اجرای صحیح هر طرح و برنامه‌ای اعمال نظارت دقیق و ارزیابی مستمر از روند اجرای آن خواهد بود. بدون نظارت امکان ارزیابی حاصل نشده و بالطبع شناخت نقاط ضعف و قوت حاصل نخواهد شد؛ لذا نظارت بر عملکرد دادگستری‌ها، محاکم و قضات در زمینه زندان‌زدایی و گرایش به کاهش آمار ورودی به زندان‌ها امری ضروری است که در قالب اخذ آمار و اطلاعات و پردازش آنها همراه با اعزام بازرسان خبره و سرکشی از کلیه استان‌ها محقق خواهد شد.

۱۰. زندانبانی صحیح و اجرای طرح‌های دوران محکومیت و در حین آزادی با به‌کارگیری ابزارهایی مانند آموزش زندانبانان و مددکاران، سوادآموزی، حرفه‌آموزی، ترویج فرهنگ ورزش، هنر و کلاس‌های احکام و قرآن نیز می‌تواند زندانی را در طول مدت تحمل حبس، متحول ساخته و او را برای زندگی سالم و شرافتمندانه در محیط اجتماعی آماده نماید.

۱۱. اعاده حیثیت و حذف سابقه محکومیت از سجل کیفری محکومیت. با توجه به رویه نادرستی که امروزه در کشورمان حاکم است، افراد به‌صرف محکومیت به زندان یا اساساً داشتن هر نوع محکومیتی، از اشتغال به کار و بسیاری از حقوق قانونی محروم می‌شوند؛ درحالی‌که بر اساس مبانی شرعی، افراد بلافاصله پس از اجرای حکم به اعاده حیثیت نائل می‌شوند و تحمیل هر نوع محکومیتی بر آنها افزون بر آن‌که فاقد وجهت قانونی است، برخلاف موازین شرعی نیز محسوب می‌شود و لذا بحث حذف سابقه محکومیت از سجل کیفری و اعاده حیثیت در باز اجتماعی کردن افراد و جلوگیری از تکرار جرم بسیار مؤثر است.

۱۲. ایجاد زمینه در اجتماع برای پذیرش زندانیان از دیگر ضرورت‌های موردنیاز بعد از آزادی زندانی پذیرش وی در اجتماع است. جامعه باید آغوش پر مهر خود را به روی زندانی بگشاید تا سرخوردگی و سرشکستگی ناشی از تحمل حبس، باعث طرد مجرم از جامعه نگردد؛ زیرا بر خوردهای قهری و بغض‌آلود می‌تواند، موجب بازگرداندن بزه‌کار به سوی جرم و گناه و تکرار بزه گردد.

نتیجه گیری

یکی از حقوق طبیعی انسان آزادی تن اوست. این آزادی در قرآن کریم، اعلامیه‌های حقوق بشر، قوانین اساسی؛ از جمله اصل ۳۲ قانون اساسی کشورمان، مورد تصریح و تأکید قرار گرفته است، اما این آزادی بدون حد و حصر و نامحدود نیست بلکه مصالحی از قبیل حفظ ارزش‌های اخلاقی، دینی و اجتماعی و نظم عمومی ایجاب می‌کند در مواردی محدود و مقید گردد و فقط قانون - که در برابر ارتکاب جرم مجازات را پیش‌بینی کرده است - صلاحیت این تحدید را دارد.

یکی از مجازات‌هایی که کاربرد بسیار زیادی در جوامع مختلف از جمله ایران دارد، مجازات حبس است؛ بنابراین نیازمند توجه خاص و ویژه است. به‌رحال ناکارآمدی زندان به‌ویژه حبس‌های کوتاه‌مدت در زمینه‌های بازدارندگی و اصلاح و درمان بزه‌کاران قابل‌انکار نیست؛ زیرا متأسفانه زندان‌های کنونی کشورمان به دلیل کمبود امکانات بهداشتی و غذایی، رواج مواد مخدر، شیوع بیماری‌های عفونی و ...، نتوانسته‌اند رسالتشان را به انجام رسانند؛ درحالی‌که می‌توان در کنار مجازات‌های اجتماعی با یک برنامه‌ریزی هدفمند و اصولی زندان را به محلی برای تربیت مجرم از هر لحاظ، به‌خصوص روحی و روانی تبدیل کرد و برای برخی از مجرمین که استحقاق زندان را ندارند، برحسب شغل و خصوصیات شخصیتی‌شان مجازات جایگزین - آن‌هم برگشت‌پذیر به جامعه و بازدارنده - را تعیین و اعمال کرد.

از طرف دیگر، هرچند مطالعات کیفر شناسانه و ارزیابی نتایج مجازات‌های متفاوت، از موفقیت هیچ‌یک از انواع مجازات‌ها حکایت نمی‌کنند، اما چنین هم نیست که اصل مجازات‌ها و به‌طور خاص مجازات زندان در دوره معاصر قابلیت حذف داشته باشد چون در مورد مجرمین خطرناک و جرایم با مجازات‌های سنگین تنها مجازاتی که احتمال اصلاح مجرم را قوت می‌بخشد، حبس است؛ بنابراین نباید معتقد به حذف مجازات حبس به‌طور کلی و ریشه‌ای بود، بلکه باید آسیب‌شناسی دقیق در این خصوص انجام‌شده و موانع و مشکلات موجود برطرف گردد. پیش‌بینی نهادهایی چون تعلیق تعقیب، تعویق صدور حکم و آزادی مشروط در جرایم تعزیری سبک در قانون مجازات اسلامی مؤید این مطلب

است که قانون‌گذار نیز پی به ناکارآمدی حبس در این موارد برده است.

به‌عنوان نتیجه می‌توان گفت زندان در مورد اشرار، برهم‌زنندگان نظم و امنیت عمومی و مجرمین خطرناک، با فراهم شدن شرایط اصلاحی و تربیتی را می‌پذیریم، اما در مورد مجرمین اتفاقی و بزه‌کاران نوجوان و جرایم کم‌اهمیت و مجازات‌های حبس کوتاه‌مدت، به دلیل اینکه معایب آن به مراتب بیشتر از مزایای آن است را پیشنهاد نمی‌کنیم؛ چون در این قبیل حبس‌ها، امکان اقدامات اصلاحی و تربیتی به‌ویژه در زمینه‌های حرفه‌آموزی، روان‌شناختی و درمانی وجود دارد. درحالی‌که در حبس‌های طولانی و بلندمدت امکان برنامه‌ریزی، نظارت و پیگیری تا تحقق و حصول اهداف تعیین‌شده وجود داشته و با تحول رفتار زندانی به نحوی که بیان‌گر تأثیر برنامه‌های تدوینی در مورد وی باشد، امکان کاهش حبس و اعمال تخفیف‌های مقتضی نیز وجود خواهد داشت. در مورد حبس‌های بلندمدت موارد زیر را می‌توان علل عینی ناکارآمدی آن محسوب کرد و باید به دنبال راهکارهایی جهت برطرف کردن این موانع و مشکلات باشیم. برخی از این راهکارها عبارت‌اند از: عدم طبقه‌بندی صحیح در زندان؛ تراکم جمعیت زندان؛ مشکلات بهداشتی موجود در زندان؛ ایجاد مشکلات خانوادگی؛ اثر نامطلوب زندان بر زندانی؛ آموزش و انتقال جرایم؛ بیکاری و طرد اجتماعی.

برخی از راهکارهایی که می‌توان برای برطرف کردن این مشکلات ارائه داد، عبارت‌اند از: ایجاد اشتغال و رفاه نسبی؛ مهارگرانی و کنترل تورم؛ ایجاد اماکن تفریحی و ورزشی؛ تلاش در جهت تنظیم بهداشت خانواده و کاهش جمعیت؛ سازمان‌دهی امر مهاجرت و جلوگیری از آن، طراحی سازوکار مناسب برای حل معضلات شهرک‌های اقماری و حاشیه‌ای؛ تصویب قوانین ضروری و موردنیاز و ده‌ها اقدام مؤثر، از جمله اقداماتی است که می‌باید قوه مجریه و قوه مقننه با عزمی بسیار جدی در راه حل آنها بکوشند. نهایتاً اینکه پیشگیری از وقوع جرم و کاهش آمار جرایم موجود و حل معضلات زندان‌ها و تحقق اهداف تربیتی کیفرها فقط در گرو هماهنگی، همدلی، صمیمیت و اراده واقعی و عملی قوای سه‌گانه بوده و بدون این هماهنگی و اتفاق با توجه به وضع فعلی زندان‌ها و تراکم جمعیت کیفری موجود، اهداف اصلاحی و تربیتی به هیچ نحوی تحقق نخواهد یافت.

به امید آن که با اتخاذ راهکارهای صحیح، علمی و منطقی بتوانیم سیاست اصولی و مؤثری را در زمینه مبارزه با جرایم و ناهنجاری‌های اجتماعی پایه‌گذاری کنیم تا در پرتو این تدابیر، ضمن کاستن از جمعیت کیفری زندان‌ها، اهداف اصلاحی و تربیتی مجازات‌ها را تأمین نموده و آینده‌ای روشن و افقی امیدوارکننده فراروی نسل آینده ترسیم شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۲۷۲
مجله فقهی حقوق

سال سی‌ام، شماره دوم (پیاپی ۱۱۴)، تابستان ۱۴۰۲

فهرست منابع

* قرآن کریم.

۱. آشوری، محمد. (۱۳۸۱). «سخنرانی در همایش بین‌المللی بررسی راه‌های جایگزین مجازات حبس»، تهران: مجله حقوقی دادگستری، شماره ۳۸، بهار.
۲. آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۸۴.
۳. اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۸۶). حقوق جزای عمومی. (ج ۲، چاپ سیزدهم). انتشارات میزان.
۴. بکایی، محمدحسن. (۱۳۶۴). احکام زندان در اسلام، (چاپ دوم). دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۵. بولک، برنارد. (۱۳۸۵). کیفرشناسی. (مترجم: علی حسین نجفی ابرندآبادی). (چاپ چهارم). انتشارات مجد.
۶. جعفرقلی، ناصر. (۱۳۸۶). «راهکارهای کاهش جمعیت کیفری»، مجموعه مقالات همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، (چاپ اول). نشر میزان.
۷. جوهری، اسماعیل بن حماد. صحاح اللغة. نشر دارالملائین.
۸. حاجی تبار فیروزجائی، حسن. (۱۳۸۶). جایگزین‌های حبس در حقوق کیفری ایران. (چاپ اول). چاپ عماد.
۹. داودی گرمارودی، هما. (۱۳۸۶). «اندیشه‌های مجازات و عوامل مؤثر بر حجم جمعیت کیفری»، مجموعه مقالات همایش راه کارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، (چاپ اول). نشر میزان.
۱۰. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه. (۱۶مجلد، چاپ دوم از دوره جدید). دانشگاه تهران، مؤسسه لغت‌نامه دهخدا.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۹۰). المفردات. (ترجمه حسین خداپرست). (چاپ سوم). قم: دفتر نشر نوید اسلام.
۱۲. روزنامه حمایت ۹۲/۲/۲۲.

۱۳. زینالی، محسن. «مقدمه‌ای بر مقوله زندان و زندان بانی». مجله حقوقی انتشارات دانشگاه شهید بهشتی. شماره ۴۲.
۱۴. شهیدزاده، ژاله. (۱۳۸۶). «راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها با تکیه بر قرار کفالت». مجموعه مقالات همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان. (چاپ اول). نشر میزان.
۱۵. صفاری، علی. «دلیل یا توجیه آوری برای مجازات». مجله تحقیقات حقوقی. انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۴۲.
۱۶. عبدی، عباس. (۱۳۷۱). تأثیر زندان بر زندانی، (چاپ اول). انتشارات نور.
۱۷. عمید، حسن. (۱۳۶۹). فرهنگ فارسی. (چاپ سوم). تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۸. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۱۹. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸.
۲۰. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲.
۲۱. قانون مجازات اسلامی.
۲۲. کرمی، ایما. «تأثیر زندان بر زندانی از نگاه آسیب‌شناسی». به نقل از مجله حقوقی فردوسی. سال سوم.
۲۳. محدث، محسن. (۱۳۸۸). مقایسه تطبیقی تأثیر مجازات زندان با مجازات‌های جایگزین در پیشگیری از جرم. (چاپ اول). نشر نگاه بینه.
۲۴. محسنی، رضاعلی. «آسیب‌شناسی مجازات زندان و حبس». مجله حقوقی دادگستری. سال دوازدهم.
۲۵. معین، محمد. (۱۳۸۱). فرهنگ فارسی. (۶مجلد، چاپ نوزدهم). تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۲۶. مغنیه، محمدجواد. (۱۴۰۴ق). فقه الامام جعفر صادق علیه السلام. (ج ۲). دارالتیادالجديد.
۲۷. منتظری، آیت‌الله حسین‌علی. مبانی فقهی حکومت اسلامی. (ج ۴، چاپ اول).
۲۸. منصورآبادی، عباس. (۱۳۸۶). «زندان راه حل یا مشکل؟». مجموعه مقالات همایش راه کارهای کاهش جمعیت کیفری زندان. (چاپ اول). نشر میزان.

۲۹. ناصرزاده، هوشنگ. (۱۳۷۳). آیین دادرسی کیفری سلب آزادی تن بازداشت و حبس در حقوق ایران. (چاپ اول). انتشارات آگاه.

۳۰. نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۸۱). تقریرات علوم جنایی. (ج ۱). دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق.

31. ww.qazvinprisons.ir-

32. www.bashgah.net

33. www.noormags.com



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی